

خیلی به خودت مطمئن نباش. خیلی مغرور نشو. هول برت نداره. فکر نکن اونى که توى دانشگاه، کوچه، خیابون، چه مى دونم یا هر جای دیگر دیدی، چون تو انتخابش کردی و با هم به تفاهم رسیدین، دیگه کار تمومه... فکر نکن آخرشه و مثل اونو هیچ جا نمى تونی پیدا کنی.

نه... اشتباه نکن. فکر نکن تو احساساتی نیستی و یا این که چون پسری، از روی احساسات تصمیم نمی گیری، فکر نکن هیچ دختری نمی تونه به کلاه گشاد روی سر شما کل پسرهای کاکل زری چهارمیخ کنه. آره، هیچ وقت این جوری فکر نکن.

بگی سنگ مفت، گنجشک مفت... هرچه بادباد. درسته که توی رابطه های کوچه و خیابونی، بیشتر، دخترها ضرر می کنن، اما توی همین رابطه ها، پسرهایی بودن که نفهمین از کجا چوب خوردن، پسرهایی که تا اومدن بچنین، دیدن که ای دل غافل! کلی ضرر کردن و خلاصه حسایی رو دست خوردن. از ضررهای آشنایی های اینترنتی چیزی نمی گم که این قدر این ور و اون ور راجع به اون گفتن و فیلم ساختن و قصه نوشتن که می دونم حسایی گوشت پرم از ضررهای مالی و اقتصادی، چه قبل از ازدواج با این خانم ها و چه بعد از ازدواج (البته منظور یک ماه اوله) که خانم با اون مهریه سنگیش به دفعه یادش می افته شما مرد ایده آلش نیستی هم، چیزی نمی گم که قصه های هزار و یک شبه.

من از اون روی سکه می گم که زندگی شخصی، آبرو و شخصیت خدشه دار می شه؛ از اون روزی که به دفعه می فهمی به کلاه گشاد سرت رفته که حتی جلوی چشمات رو هم گرفته، که تنوفی جلوی خودت رو هم خوب ببینی؛ اون جایی که یک دفعه بعد از به مجلس عروسی سنگین، بفهمی شش دانگ مال شما نیست و قبلاً تجربه زندگی هم داشته، دوستی که چه عرض کنیم؟! حالا هر چه قدر هم که دنیا دور سرت بچرخه، هر چه قدر هم که پشیمون بشی و هر قدر هم که به خودت و زمین و زمان بد و بیراه بگی، تازه اگر احیاناً از پس مهریه بر بیایی و بدون این که زندان بری، طلاقش بدی، باز هم مثل روز اولت نمی شی. چون به چیزهایی رو از دست دادی که قابل جبران نیست! پس هیچ وقت مرد بودن خودت رو به رخ ما نکش؛ و این که به مرد همیشه از روی عقل تصمیم می گیری.



دیدار آشا/شماره ۷۳

افلاک از آتش
بلاتل